



## پژوهشی

# در اشعار وصیت

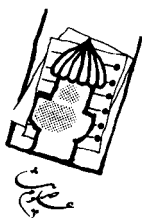
◁ محمدحسین واثقی راد

### خلاصه

جانشینی حضرت علی(ع) به عنوان وصی رسول خدا(ص) موضوع اختلافی شیعه و اهل سنت است. شیعه برای اثبات آن دلایلی از قرآن، حدیث، عقل، تاریخ و ادب آورده اند. با نگرش به ادبیات عرب چنین برمی آید، این سخن که حضرت علی(ع) وصی رسول خداست، معروف بوده و این مطلب در شعر شاعران به وفور منعکس گردیده است.

### واژه‌های کلید:

وصی پیامبر(ص)، حضرت علی(ع)، شعر عربی، شاعران. شیعه بر این باور است رسول خدا(ص) حضرت علی(ص) را به عنوان وصی و جانشین خود تعیین نمود. در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف از جمله غدیر خم او را به همین عنوان معرفی کرد. این موضوع در تاریخ، تفسیر حدیث و ادب منعکس گردید. گرچه در طول سالیان دراز و قرن‌های متوالی از بیان این موضوع جلوگیری گردید، اما این مطلب آن‌چنان روشن و آشکار بود که به طور کلی فراموش نشد. با نگرش به تاریخ



ادبیات عرب چنین برمی آید که موضوع وصیت را همگان می دانسته اند، در موقعیت ها و مناسبت های مختلف از آن سخن گفته اند. مفاخرات، خطابه و شعر از جمله بسترهای بیان این موضوع بودند. در این جا به بیان شماری اشعار عربی می پردازم که شاعران، حضرت علی (ع) را به عنوان وصی پیامبر (ص) معرفی کرده و توضیحاتی نیز پیرامون آن اشعار ارائه می گردد. این شاعران جز اندکی از اهل سنت هستند:

### ۱. بدیع الزمان ابوالفضل احمد بن الحسین الهمدانی

يقولون لي لا تحب الوصي      فقلت الثرى بقم الكاذب

أحب النبي ...

وإن كان رفضا ولاء الوصي      فلا ترض بالرفض من جانبي

ولو كنتم من ولاء الوصي      على العجز كنت على الغارب

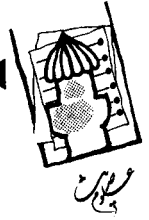
مناقب خوارزمی، ص ۷۹

او در همدان (۳۵۸) متولد شد. به هرات و نیشابور رفت. آن جا با خوارزمی گفتگوی بسیار داشت. پس از درگذشت خوارزمی به شهرهای بسیار سفر کرد، تا مقیم هرات شد. در سال ۳۹۸ هـ مسموم شد و درگذشت. نهاية الارب، ج ۳، ص ۱۱۴؛ الاعلام زرکلی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ وفيات الاعيان، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۵۹. «وی گوید: سخته کرده او را دفن کردند شب هنگام صدایش شنیده شد. قبرش را شکافتند دیدند دست بر محاسن گذاشته و از وحشت قبر مرده است» برخی اشعار و نامه های او را ثعالبی در یتيمة الدر، ج ۴، ص ۲۹۳-۳۳۴ در خزانه الادب، ج ۲، ص ۱۹۷ آورده بویژه گفتگوی او را با خوارزمی در نیشابور.

از جمله کتاب های او المقامات الفائقة است که مقامات حریری به سبک آن تدوین شده.

الثرى به معنای خاک مرطوب النهایة، ج ۱، ص ۳۱۰؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۹۴.

غارب به معنای دوش شتر است که جلوکوهان قرار دارد و نیز به معنای تیزی و برندگی شمشیر و همچنین بلندای هر چیزی. در این جا همین معنی اخیر منظور است به ویژه



که واژه علی به کار رفته و مستلزم استعلاء است .

در بیت دوم از جناس استفاده شده و مراد از رفض دوم رفض الرفض است . در نسخه مورد استفاده فلا ترض است به نظر می رسد بر اساس سیاق فلا ترضوا صحیح باشد . گویا وی متهم بوده که ناصبی است ، با علی و خاندان او دشمن می باشد . وی در این اشعار پاسخ داده که هم علی را دوست دارد و هم خلفا را قبول دارد .  
او در اشعاری که بر رد خواری می سروده نیز واژه وصی را به کار برده .  
و کلنی بالهم ...

إن امرأ اثنی علیه المصطفى  
ثُمَّتْ وَالاه الوصی المرتضی ...  
وَاتَّبَعْتَهُ أُمَّةَ الْأُمَمِ  
وَبَايَعْتَهُ رَاحَةَ الْوَصِيِّ

خزانة الادب، ج ۲، ص ۱۹۷

راحة به معنای کف دست است .

گویا خواری می خلیفه اول و دوم را نکوهش می کرده ، بدیع الزمان در نکوهش و رد او این قصیده را سروده و به مدح ابوبکر پرداخته . در ضمن مدح او از حضرت علی (ع) به عنوان وصی پیامبر (ص) یاد کرده . که وصی پیامبر ولایت ابوبکر را پذیرفت و با او بیعت کرد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲ . ابو محمد القاسم یوسف ابن صبیح

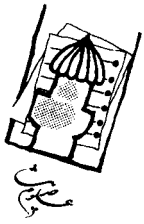
حلفت برب الوری المعتلی  
علی خلقه الطالب الغالب  
لأحمد خیر بنی غالب  
و من بعده ابن ابی طالب  
فهذا النبی و هذا الوصی  
و يعتزل الناس فی جانب

صولی الاوراق، ج ۱، ص ۱۶۷

و نیز گوید :

ادرك الدهر ...

خیر من صلی و صام و من  
مسح الأركان و الحجبا  
و وصی المصطفی و اخ  
دون ذوی القربی و إن قربا



او برادر احمد بن یوسف کاتب وزیر مأمون است. و بهتر از برادرش شعر می گفته. قسمتی از اشعار او را صولی در الاوراق آورده زرکلی نیز در الاعلام، ج ۵، ص ۱۸۶ نام او را در ذیل ابن صبیح آورده. هر دو برادر از درباریان مأمون بودند. او در اشعارش حضرت علی(ع) را به عنوان وصی، برادر و به وصف برترین انسان پس از رسول خدا(ص) ستوده است. غالب، نام جد اعلای پیامبر(ص) است. او پیامبر(ص) و علی(ع) را چنین وصف کرده که در ضابطه های ارزشی و ماورایی این دو نفر در یک سو و تمام انسان ها در سوی دیگر قرار دارند و با پیامبر(ص) و علی(ع) برابر نیستند.

### ۳. زیاد بن لبید الانصاری

کیف تری ...

ولا نبالی فی الوصی من غضب  
و انما الأنصار جد لا لعب  
هذا علی و ابن عبدالمطلب  
نصره الیوم علی من قد کذب  
شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۵

زیاد بن لبید بن ثعلبة الأنصاری البیاضی الخزرجی. پیش از هجرت پیامبر(ص) مسلمان شد. در پیمان عقبه شرکت داشت. نخست از مدینه به مکه نزد پیامبر(ص) هجرت کرد. و آن جا بود تا با پیامبر(ص) به مدینه هجرت کرد. نام او در شمار مهاجران مکه نیز آمده است. طبقات، ج ۱، ص ۲۲۶، در تمامی جنگ های پیامبر(ص) شرکت داشت. در جنگ رده یکی از فرماندهان بود. همو بود که اشعث بن قیس را اسیر گرفت و نزد ابوبکر فرستاد. برخی گفته اند تا زمان معاویه زنده بود.

طبقات، ج ۳، ص ۵۵۸؛ اسدالغابة، ج ۲، ص ۲۱۷؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۳۳؛ الاصابة، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۲۸۶۴. او این اشعار را در جنگ جمل سرود. به احتمال قوی در جنگ صفین شرکت داشته و در همان جنگ شهید شده است.



#### ۴. عمرو بن احيحة

حسن الخير ...

و ابي الله أن يقوم بما قا  
م به ابن الوصي و ابن النجيب  
إن شخصا بين النبي لك الخيد  
ر وبين الوصي غير مشوب

شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۱۴۶

او این اشعار را در وصف امام حسن(ع) در جنگ جمل سرود. زمانی که عبدالله بن زبیر سخنرانی کرد و در پی او امام حسن(ع) سخنرانی نمود.  
عمرو بن احيحة در کتاب های تراجم شناخته نشد.

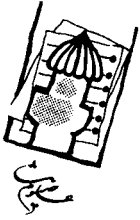
#### ۵. عبدالرحمن بن ذؤيب الاسلمی

الا ابلغ معاوية ...

يقودهم الوصي إليك حتى  
يردك عن عُوائك و ارتياب

وقعة صفين، ص ۳۸۲

این شعر در شرح نهج البلاغة (ضلال و ارتياب) ضبط شده (ج ۱، ص ۱۴۹).  
این اشعار را نصر بن مزاحم منقردی در جمله اشعار صفين آورده. عبدالرحمن بن ذؤيب اسلمی از سپاهيان حضرت علی(ع) و از مردم حجاز بود. شخصیت او در کتاب های تراجم نیامده. و روشن نیست که او این اشعار را در جنگ صفين یا پیش از آن خطاب به معاویه سروده. کتاب وقعة صفين را عبدالسلام محمد هارون تحقیق نموده و گوید واژه «عوائك» در اصل «عُوائك» ثبت شده و تحریف شده، صحیح عُوائك می باشد. چون: عوائك من العواء اشتق اسم معاوية فان معاوية الكلبة تعاوى الكلاب. گرچه عواء به همین معناست (ابن اثیر نهایت، ج ۳، ص ۳۲۴)، و با نام معاویه مناسبت دارد اما به نظر می آید عُوائك صحیح است. چون به معنای گمراهی و جمع است (زبیدی تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۲) و با ارتياب مناسبت دارد. در هر صورت وی از حضرت علی(ع) به عنوانی وصی پیامبر(ص) یاد کرده.



۷۳

۶. عبدالله بن ابی سفیان بن حارث بن عبدالمطلب در پاسخ ولید بن عقبه گفت :

وإن ولی الأمر بعد محمد      علی وفی کل المواطن صاحبه  
وصی رسول الله حقاً وصنوه      و اول من صلی و من لان جانبه

او شاعر بود این اشعار را گویا در شام در گفتگویی که با بنی امیه و عمرو بن عاص داشت سروده .

کنیه او ابوالهیاج است . با حضرت علی(ع) وارد مدائن شد . بر این اساس در جنگ صفین حضور داشت و در کربلا به شهادت رسید .

شرح حال او را برخی به اختصار اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۷۵ ؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۲۱، ح ۱۵۵۹ و برخی نیز با اندک تفصیل آورده اند . تاریخ دمشق، ج ۲۹، ص ۷۵؛ الاصابه، ج ۲، ص ۳۲۰ .

الصنو: المثل (النهاية، ج ۳، ص ۵۷)

این اشعار هم مال اوست :

و منا علی ذاک صاحب خیبر      و صاحب بدر یوم سالت کتائبه  
وصی النبی المصطفی و ابن عمه      فمن ذا یدانیه ذایقاربه  
شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۳

۷. ابن ادیس شافعی

إن کان حب الوصی رفضاً      فاننی أرفض العباد

دیوان شافعی، ص ۳۵

در دیوان شافعی حب الولی ثبت شده (۳۸) .

۸. اعشی

أجدک لم تسمع وصاة محمد      رسول الإله حین أوصی و أشهد

الکامل، مبرد، ج ۳، ص ۶۸



## ۹. ابوالهیثم بن التیهان

قل للزبیر و قل لطلحة ...

إن الوصی امامنا وولینا برح الخفا وباحث الأسرار

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۳

ابوالهیثم مالک بن التیهان از قبیلهٔ اوس بود پیش از پیمان عقبه مسلمان شد و در آن نیز شرکت داشت و به عنوان نقیب بنی عبدالاشهل برگزیده شد. در جنگ بدر و دیگر جنگ‌ها حضور داشت. برخی گفته‌اند در سال ۲۱ هـ رحلت کرد. اما اکثر گفته‌اند در جنگ صفین همراه حضرت علی (ع) بود و در همان جنگ به شهادت رسید. اسد الغابه، ج ۵، ص ۳۱۸، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۷۳، الاصابة، ج ۴، ص ۲۱۲؛ طبقات، ج ۳، ص ۴۴۷

## ۱۰. فضل بن عباس

أطلب ثارا ...

ألا إن خیر الناس بعد محمد وصی النبی المصطفی عند ذی الذکر

و اول من صلی و صنو نبیه و اول من اردی الغواة لدی بدر

او این شعر را در پاسخ ولید بن عقبه گفت که شعری در رثای عثمان سروده بود.

ألا إن خیر الناس بعد ثلاثة قتیل التجیبی الذی جاء من مصر

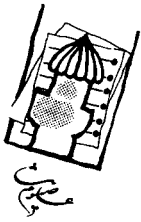
تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۲۶. ابن اثیر برخی اشعار را که طبری نقل کرده آورده

لیکن این اشعار را نیاورده البدایه، ج ۷، ص ۲۱۹ مبرد اشعار ولید را آورده، الکامل، ج

۲، ص ۲۴۰.

## ۱۱. نجاشی

پیش از جنگ صفین ریاست قبیله کنده و ربیعہ بر عهده اشعث بن قیس کندی بود. حضرت علی (ع) او را عزل و حسان بن مخدوج را که از قبیلهٔ ربیعہ بود به جای او منصوب کرد. برخی به وساطت پرداختند تا ریاست به اشعث واگذار شود قبیله ربیعہ که حسان از



آنها بود از این وساطت برآشفتنند و نجاشی که خود نیز از قبیلهٔ ربیعیه بود، این اشعار را سرود و اظهار داشت هر چه حضرت علی (ع) بگوید ما قبول داریم.

رضیت بما یرضی علی لنا به      وإن کان فیما یأت جدع المناخر  
وصی رسول اللّٰه من دون اهله      و وارثه بعد العموم الاکابر

وقعة صفین، ص ۱۳۷

نام نجاشی قیس بن عمرو بود، الاعلام زرکلی، ج ۸، ص ۹.

این حجر شرح حال او را آورده و گوید نام او قیس بن عمر یا سمعان بوده در صفین در سپاه علی (ع) بود. در ماه مبارک رمضان شراب خورد. حضرت علی (ع) بر او حد جاری کرد او در پی آن به شام نزد معاویه رفت الاصابه، ج ۳، ص ۵۸۲، ح ۸۸۵۳، تاریخ حلب، حرف نون.

داستان مشروب خواری او را ابن قتیبه در الشعر و الشعرا، ص ۲۰۹ آورده. مناخر جمع منخر به معنای سوراخ دماغ است النهایة، ج ۵، ص ۳۲؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۰۷ و ۱۸، ۱۴ در این جا منظور قسمت جلو دماغ است.

جدع الأنف درباره حیوانات باربری به کار می رود. کاربرد آن درباره انسان کنایه از رسوایی آشکار و بی آب رویی است. چون زیبایی چهره در زیبایی دماغ است. بریده شدن دماغ یعنی زشتی روشن که نتوان آن را پنهان ساخت. این ضرب المثل در جایی به کار می رود که شخص نتواند مفاخر ملی و قومی خود را حفظ کند و یا در مسابقات ملی نتواند افتخاراتی کسب کند. جدع المناخر زشت تر از جضع الأنف است و رسوایی آن بیشتر است.

مغیره بن حارث بن عبدالمطلب در صفین

یا شرطة الموت صبیرا...

فیکم وصی رسول اللّٰه قائدکم      واهله و کتاب اللّٰه قد نشرنا

وقعة صفین، ص ۳۸۵، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۹ «یا عقبه الموت»

برخی گفته اند مغیره بن حارث همان ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب است و از





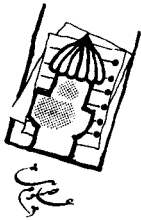
شعراء بوده وی نخست به دشمنی با پیامبر خدا(ص) پرداخت و پیش از فتح مکه مسلمان شد. در جنگ صفین جلو روی رسول خدا(ص) و افسار اسب آن حضرت را در دست داشت و فرار نکرد. برخی نیز گفته اند مغیره برادر ابوسفیان است. ابوسفیان در سال پانزدهم یا بیستم بعثت در مدینه فوت کرد. خلیفه دوم عمر بن خطاب بر جنازه او نماز خواند. (ابن سعد، طبقات، ج ۴، ص ۴۹ «هر دو را یکی دانسته» ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۷۳. ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ص ۷۰. «وی ابوسفیان و مغیره را یکی دانسته» ابن اثیر، الغابه، ج ۵، ص ۲۱۳، ابن حجر، الاصابه، ج ۵، ص ۸۶؛ طبقات فحول الشعراء، ج ۱، ص ۲۴۷. بر این اساس یا باید گفت: یا ابوسفیان تا جنگ صفین زنده بوده و یا مغیره برادر او بوده، به احتمال قوی وی تا جنگ صفین زنده بوده و مؤلفان تراجم تاریخ زندگی و وفات او را با تردید آورده اند چنانکه ابن عبدالبر در پایان گوید: واللّه اعلم.

۱۲. امام علی(ع)

یا عجباً...

آن یقرونوا وصیه والابترا شانی الرسول واللین الأخرزا

پیش از جنگ صفین معاویه به عمرو بن عاص وعده داد مملکت مصر را به او می سپارد با این شرط که او از معاویه حمایت کند. پسر عم عمرو بن عاص به نصیحت او پرداخت تا دینش را به دنیایی معاویه نفروشد. اشعاری در این موضوع سرود. معاویه به تعقیب پرداخت تا او را دستگیر کنند او به کوفه نزد حضرت علی(ع) رفت و جریان را گزارش نمود. حضرت این اشعار را سرود: وقعه صفین، ۴۲، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۷۰. منظور از وصی خودش است و ابتر عاص بن وائل است که سوره «انا اعطیناک الکوثر» در رابطه با دشنام او به پیامبر(ص) نازل شده (در المثنور، سیوطی، ج ۷، ص ۸، ح ۶۴۶، تفسیر طبری، ج ۱۲، ص ۷۱۷، معالم التنزیل، بغوی، ج ۵، ص ۶۳۲، تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۸۰۶؛ فتح القدر، شوکانی، ج ۵، ص ۵۳.



منظور از اللعین عمرو بن عاص است که رسول خدا(ص) چندین نوبت او را نفرین کرد. از جمله امام حسن(ع) در یک گفتگوی طولانی که با معاویه و مروان و عمرو بن عاص داشت به او فرمود: ثم انک تعلم... انک هجوت رسول الله(ص) بسبعین بیت من الشعر فقال(ص) اللهم انی لا اقول الشعر ولا ینبغی لی اللهم العنه بكل حرف ألف لعنة شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۹، معجم الكبير، طبرانی، ج ۳، ص ۷۲، ح ۲۶۹۸. مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۷، ص ۲۴۷ به اختصار.

(الأخزر، الخزرة إنقلاب الحدقة نحو اللحاظ وهو أقبح الحول. لسان العرب، ج ۴، ص ۷۹ الخزر بالتحريك ضيق العين و صغرها النهاية، ج ۲، ص ۲۸. بر این اساس چشم عمرو بن عاص هم تنک بوده و هم دو حدقه آن در یک سو قرار داشته. ابن منظور گوید: الأخزر الذي اقبلت حدقاته إلى أنفه و الأحول الذي ارتفعت حدقاته إلى حاجبيه، لسان العرب، ج ۴، ص ۷۹.

### ۱۳. نعمان بن عجلان بن عامر

فقل لقریش ...

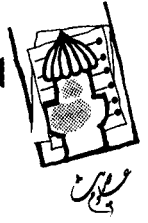
وصی النبی المصطفی و ابن عمه وقاتل فرسان الضلالة و الکفر

و این اشعار را در پاسخ عمرو بن عاص گفت که در ماجرای سقیفه به نکوهش انصار پرداخت. و این اشعار را سروده بود:

الا قل لاوس إذا جئتها و قل كلما جئت للخزرج

الموقیات، ص ۵۹۴، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۱

نعمان از بزرگان و شاعر انصار بود، پس از شهادت حضرت حمزه با خوله بیوه حمزه ازدواج کرد. حضرت علی(ع) او را به استانداری بحرین منصوب نمود. اشعار او را به طول کامل ابن عبدالبر در الاستیعاب آورده، اما این بیت را حذف کرده اند، قسمتی از اشعار او را ابن اثیر اسد الغابة، ج ۵، ص ۲۶ و همچنین ابن حجر، الاصابه، ج ۳، ص ۵۶۹، آورده اند.



۱۴ . مالک اشتر در صفین

کل شیء سوی ...

من رأی عزة الوصی علی انه فی دجی الحنادس نور

مناقب خوارزمی، ص ۲۴۶

شخصیت مالک اشتر بر کسی پوشیده نیست گویا این شعر را در روز یا شب لیلة الهیریر سروده که کشته‌ها از دو طرف بسیار افزون بود و مالک تنها از این خوش حال بود که حضرت علی(ع) زنده است. آن اشعار را در همین رابطه سرود.

دجی در اصل به مفهوم فزونی و تمام و کمال است. حنادس جمع سالم و فعل آن رباعی مجرد است به مفهوم شب بسیار تاریک النهایة، ج ۱، ص ۴۵۰ و ج ۲، ص ۱۰۲؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۲۹۶، اضافه دجی به حنادس و سپس جمع آوردن حنادس شدت و نهایت تاریکی را می‌رساند. این سخن ممکن است تشبیه باشد چنانکه گفته اند جنگ آنقدر سنگین بود که آسمان به شدت دیده می‌شد و ممکن است منظور مالک همان لیلة الهیریر بوده که شدت جنگ بر تاریکی شب افزوده بود.

۱۵ . قال بعض شعراء القریش

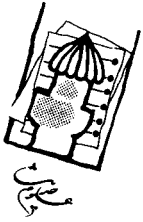
والله ما کلم الأقسام من بشر بعد الوصی علی کابن عباس

الموفقیات، زبیر بن بکار، ص ۵۷۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۲

شاعر شناخته نشد که چه کسی است. این شعر را در وصف عبدالله بن عباس سروده. زمانی که مردم عراق حکمیت ابوموسی اشعری را بر امام علی(ع) تحمیل کردند. ابن عباس در خطابه بلیغ و فصیح به نصیحت او پرداخت: یا ابا موسی إن الناس لم یرضوا بک و لم یجتمعوا علیک لفضل لا تشارك فیہ ...

الموفقیات، ص ۵۷۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۴۶؛ جمهرة خطب العرب،

ج ۱، ص ۳۸۶



## ۱۶. المتنبی

و تركت مدحی للوصی تعمدا

إذ كان نورا مستطیل شاملا

دیوان ابی الطیب المتنبی، ص ۴۶۸

ما للمورج ...

هو ابن رسول الله و ابن وصیه

و شبههما شبهت بعدالتجارب

همان، ص ۲۲۸ (دارالصادر)

ابو الطیب أحمد بن الحسین بن مرة الجعفی الکندی . گویند نخست مدعی نبوت بود سپس توبه کرد به شهرهای شام و مصر سفر نمود . مدتی زندانی بوده به هجو برخی حاکمان و استانداران می پرداخت و در نهایت به دست فاتک ابن ابی جهل الاسدی کشته شد . (مقدمه دیوان متنبی دارالصادر) .

## ۱۷. نصر بن عجلان انصاری

قد كنت عن صفین ...

کیف التفرق والوصی إمامنا

لا کیف إلأ حیرة و تخاذلا

وذروا معاویة الغوی و تابعوا

دین الوصی تصادقوه عاجلا

وقعة صفین، ص ۳۶۵

نام وی در کتاب های تراجم نیامده او و پدرش شناخته نشدند، جز آن که ابن سعد در شرح حال انیسه گوید: ... تزوجها العجلان بن النعمان بن عامر بن عجلان (طبقات، ج ۸، ص ۳۹۳) اما بنوعجلان یکی از قبایل بوده . آیا او فرزند همین زن بوده؟ روشن نیست . به هر حال او در این قطعه شعر که گویا پس از بروز اختلاف در سپاه علی (ع) سروده دوبار از علی (ع) به عنوان وصی پیامبر (ص) یاد کرد .

## ۱۸. فضل بن عباس در صفین

ألا یا ابن هند ...



وصی رسول الله من دون اهله و فارسه إن قبیل هل من منازل

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۰

معاویه در جریان جنگ صفین نامه مفصلی به عبدالله بن عباس نوشت او با این نامه خواست ابن عباس را از حضرت علی (ع) جدا سازد. نامه معاویه خشم او را برانگیخت و پاسخ آن را به صراحت و قاطعیت داد. فضل بن عباس در همین رابطه اشعار فوق را سرود. اشعار او را برای حضرت علی (ع) خواندند حضرت فرمود: أنت أشعر قریش. فضرب بها الناس إلى معاوية. (وقعة صفین، ص ۴۱۶).

نام او در این جا آمده لیکن برخی مؤلفان تراجم گفته اند: او در جنگ اجنادین زمان خلافت ابوبکر آسیب دید، یا در جنگ مرج صفر زمان عمر سال ۱۳ هجری کشته شد و یا در طاعون عمواس سال هیجدهم وفات کرد. و یا در جنگ یرموک کشته شد. الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۱۲۶۹، ۲۰۹۳؛ اسدالغابة، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۸۳؛ طبقات، ابن سعد، ج ۴، ص ۵۴؛ وی گوید در طاعون عمواس از دنیا رفت تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۴۸، ص ۲۳۷؛ تهذیب الکمال، مزی، ج ۲۳، ص ۲۳۱؛ طبقات، خلیفه بن خیاط، ۵۴۷، ۲۸۰۷.

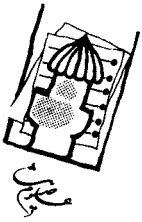
روایتی نیز گوید او سال بیست و هشتم رحلت کرد. تاریخ دمشق، ج ۴۸، ص ۳۳۲ و نیز گویند زمان عثمان بن عفان در مدینه رحلت کرد. تاریخ دمشق، ج ۴۸، ص ۳۳۵. با این وصف جز ابن سعد کسی نظر قطعی درباره فوت او نداده است. همه را بر اساس احتمال آورده اند. اما این اشعار دلیل است که او در جنگ صفین حضور داشته و به احتمال آن جا نیز به شهادت رسیده.

این شعر در شرح نهج البلاغه به عبدالله بن عباس نسبت داده شده، ج ۱، ص ۱۵۰ و به نظر می رسد اشتباه است چون وقعة صفین تقدم دارد.

۱۹. زفر بن یزید بن حدیفة اسدی

فحوظوا علیا وانصروه فانه وصی وفی الاسلام اول اول

شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۳۲



او به احتمال قوی این شعر را در صفین سروده  
شرح حال او به تفصیل نیامده تنها در برخی کتاب‌های تراجم به آن اشاره شده  
الاصابه، ج ۱، ص ۵۷۸؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۰۴.

### ۲۰. جریر بن عبدالله بجلی

علیا عنیت وصی النبی      نجالد عنه غواة الامم

وقعة صفین، ج ۱۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۳

جریر استاندار عثمان در خطه همدان بود. امام علی (ع) نامه‌ای نوشت و از او  
خواست با حضرت بیعت کند آن نامه را زحر بن قیس جعفی نزد جریر برد. و او مردم را  
فراخواند و از آنها خواست وفاداری خود را به حضرت علی (ع) اعلام کند. این اشعار را  
در همین ایام سروده است.

نجدالد مشتق از جلد به معنای جسم و شخص است در این جا منظور جنگ جلو روی  
اوست. جسم خود را سپرجان او قرار می‌دهم و دشمن را دور می‌سازیم. لسان العرب، ج  
۲، ص ۳۲۲، غواة جمع غاوای ضل، تاج العروس، زبیدی، ج ۲۰، ص ۳۲، لیکن ابن  
ابی الحدید در جای دیگر به نام زحر بن قیس آورده. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۷.  
امام علی (ع) نامه‌ای برای معاویه نوشت و آن را به جریر داد تا به شام ببرد. شرحبیل  
یکی از فرماندهان شام بود، مردم را بر ضد حضرت علی (ع) بر می‌شوراند. جریر  
گفتگویی با شرحبیل داشت و این اشعار را برای او نوشت:

شرحبیل یا ابن السمط لا تتبع الهوی ...

وصی رسول الله من دون اهله      وفارسه الاولى به یضرب المثل

وقعة صفین، ص ۴۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۳

جریر در جنگ صفین شرکت نداشت، کناره‌گیری کرد و به قرقیسیا رفت با معاویه مکاتبه  
داشت. وقعة صفین، ص ۶۰؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۷۹؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۵۳۲  
؛ طبقات، ج ۶، ص ۲۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۶۲؛ سیر اعلام النبلا، ج ۲، ص ۵۳.



حتى متى والى متى وكم الذى      يابن الوصى وانت حتى ترزق  
سمى نبي الله وابن وصيه      وفكاك اغلال و قاضى المغارم

تذكرة الخواص، ص ۲۶۴؛ سير اعلام النبلا، ج ۸، ص ۴۶

او ابوهاشم اسماعيل بن محمد بن يزيد بن ربيعة الحميرى است. اين اشعار را خطاب به محمد حفيه سروده و نخست مذهب كيسانية داشته و معتقد بوده او زنده است و در شعب رضوى زندگى مى كند. اما پس از مدتى و گويا در ملاقات با امام صادق (ع) عقیده شيعه را پذيرفته و از آن اعتقاد سابق دست برداشته. مؤلفان تراجم اهل سنت در وصف او سخن گفته اند در عين حال به دليل شيعه بودن او را نكوهش کرده اند. سير اعلام النبلا، ج ۸، ص ۴۶؛ وفيات الاعيان، ج ۶، ص ۳۴۳ «در ذيل يزيد ابن مفرغ» الوافى بالوفيات، خليل بن ابيك، ج ۹، ص ۱۹۶، ۴۱۰۳؛ فوات الوفيات، ج ۸۸، ص ۸۲؛ لسان الميزان، ج ۱، ص ۴۳۶؛ المنتظم، ج ۹، ص ۳۹.

انى لاكره ...

لا ذكر فيه لاحمد و وصيه      وبنيه ذلك مجلس نطف ردى

الاغانى، ج ۷، ص ۲۶۷

اين شعر را زمانى سروده كه وارد مجلسى شد و افراد آن درباره كشت و ذرع و نخل صحبت مى كردند پس از اندكى برخاست و پرسيدند چرا برخاستى؟ گفت:

نطف . يعنى فاسد و بد، ردى يعنى پست .

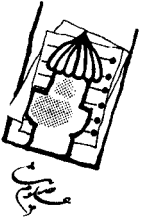
گويند اين اشعار را نيز سروده است .

لعن الله والدى جميعا      ثم اصلاها عذاب الجحيم

حكما عدوه كما صليا الفج      ر بلعن الوصى باب العلوم

برخى گویند جد او ابن مفرغ شاعر بوده و پدرش از طرفداران معاويه بوده و حضرت

على (ع) را لعن می کرده . باب العلوم اشاره به حديث پیامبر (ص) دارد که فرمود: انا مدينة



العلم و علی بابها . تاریخ دمشق، ص ۴۲، ص ۳۸۲، ۸۹۸۶ و نیز گوید:  
 إني أدين بما دان الوصي به يوم النخيلة من قتل المحلينا  
 الاغانی، ج ۲۱ و ۹ و ۶؛ الكامل للمبرد، ج ۲، ۷۵

### ۲۲. عمر بن حارثة الانصاری

أبا حسن ...

سمى النبي وشبه الوصي ورايته لونها العندم

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۴

العندم: البقم و هو شجر يصبغ به . العندم: شجر أحمر

العندم: خشب نبات يصبغ به ويقال له أيضاً دم الاخوين او البقم . لسان العرب، ج

۱، ص ۴۶۶ و ج ۹، ص ۴۲۲؛ المنجد، ص ۵۳۳.

این اشعار زمانی سروده شد که امام علی(ع) در جنگ جمل بر فرزندش محمد حنیف نهیب

زد که چرا از حمله بر دشمن درنگ می کند. عمر بن حارثه خطاب به امام علی اشعار فوق را سرود

و در ادامه محمد را ستود: ... همانم پیامبر، همانند وصی پیامبر و پرچم او سرخ رنگ است.

خطبه ۱۱، نهج البلاغه در همین وقت و شرایط ایراد شد: تزول الجبال و لا تنزل ...

در همین زمان خزیمه نیز اشعاری در وصف محمد حنیف سرود. (شرح نهج البلاغه، ج

۱، ص ۲۴۵.

### ۲۳- اشعث بن قیس کندی

أتانا الرسول ...

رسول الوصي وصی النبي له الفضل والسبق في المؤمنينا

أتانا الرسول ...

رسول الوصي وصی النبي وخير البرية من قائم

وقعة صفين، ص ۲۳ و ۲۴





گویند او رسول خدا(ص) را دیده بود از سوی عثمان استاندار آذربایجان بود. اموال بسیار نزد او بود. حضرت علی نامه ای برای او نوشت. این اشعار در پاسخ همان نامه است. در جنگ صفین همراه حضرت علی(ع) و از فرماندهان بود. پس از صلح امام حسن(ع) نزد معاویه رفت و زبان به مذمت علی گشود. دختر او همسر امام حسن(ع) بود و همو آن حضرت را به دستور معاویه مسموم کرد. ر. ک به: تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۱۱۶ و ۱۴۵؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۶۱؛ طبقات، ج ۶، ص ۶۲؛ سیر اعلام النبلا، ج ۲، ص ۳۹.

اما این که این اشعار را او سروده تردید است. نصر بن مزاحم نیز با تردید آورده و گوید: مما قیل علی لسان الأشعث.

#### ۲۴. شاعر ناشناس

تغرفکم لك من سلوة

بموت النبی و قتل الوصی

تفرج عنك علیل الحزن

و قتل الحسین و سم الحسن

تذکره الخواص، ص ۱۹۲

این فراز را سبط ابن جوزی در ذیل یاد کرد شهادت امام حسن(ع) آورده که جعده دختر اشعث آن حضرت را سم خوراند. و شاعر از آن یاد کرده است. وی نام شاعر را نیاورده.

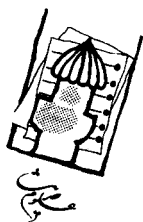
تغر: غرّ: خدعه و اطعمه بالباطل، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۱

سَلْوَة: من سلا بالواو والیا: سلاه: نسیه... إنسلی عنی الهم و تسلی بمعنی ای

یکشف... إذا نسی ذکره. (لسان العرب، ج ۶، ص ۳۵۲).

غلیل: جوشش. لسان، ج ۱۰، ص ۱۰۶

مخاطب شاعر فردی از بنی امیه یا به ویژه بنی مروان یا خود مروان بوده. چون این شعر زمانی سروده شده که امام حسین(ع) به شهادت رسیده و گویا مروان به حکومت رسیده بود.



## ۲۵. مأمون خلیفه عباسی

و ذلك عندی من عجائب ذی الزمن  
اعان رسول اللّٰه فی السر والعلن  
تذکره الخواص، ص ۳۱۹

این اشعار را سبط ابن جوزی به روایت صولی از مأمون نقل کرده، گوید: قال الصولی و من اشعار المأمون فی علی: ...

صولی یکی از دانشمندان ادب بود که خود شعر می گفت و اشعار دیگران را نیز جمع آوری و تنظیم می کرد. از جمله کتاب های او: کتاب الاوراق، اخبار ابی تمام و ادب الكتاب چاپ شده است (ر. ک به: اخبار ابی تمام، مقدمه / ه، ی؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲۷).

مأمون در این اشعار به دو چیز اعتراف کرده: علی (ع) وصی و خلیفه پیامبر بود. سبط ابن جوزی مطالبی از کتاب الاوراق صولی نقل کرده که او از مأمون نقل کرده. کتاب الاوراق در گذر تاریخ تحریف شده آن مطالب در این کتاب که چاپ شده وجود ندارد و غیر از این اشعار مطالب دیگری نیز حذف شده به عنوان نمونه، ص. ص ۱۶۹، ۱۸۰، و ۱۸۱ را ملاحظه کنید. مطالبی که با اندیشه خلافت ناسازگار بود حذف گردید. کتاب الاوراق به تحقق: ج، هیورث دن، دارالمسیره، بیروت، ۱۴۰۱هـ، ۱۹۸۲م.

مأمون در این اشعار گویا اندوه درونی خود را اظهار داشته «چرا او را به دوستی علی (ع) سرزنش می کنند بسیار شگفت آور است او نخستین مسلمان، جانشین پیامبر و تنها کسی است که آشکارا و پنهان پیامبر (ص) را یاری کرد». در میان خفای عباسی تنها مأمون بود که به دوستی علی (ع) وفادار بود و یا تظاهر می کرد. این موضوع خشم دیگر عباسیان را برانگیخت.

از اشعار مأمون:

و من غاویغص علی غیظا  
إذا أدنیت أولاد الوصی

المحاسن والمساوی، بیهقی، ص ۶۸



## ۲۶. خزيمة بن ثابت

وصی رسول الله من دون أهله و فارسه مذ كان في سالف الزمن  
و اول من صلى من الناس كلهم سوى خيرة النسوان والله ذو منن  
شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۳۱

او پیش از هجرت پیامبر(ص) مسلمان شد، از قبیله اوس بود. معروف به ذوالشهادتین چه آن که به تأیید رسول(ص) خدا گواهی او اعتبار دو نفر را داشت. در جنگ بدر و دیگر جنگها شرکت داشت در جمل با حضرت علی(ع) بود. در صفین پس از عمار به شهادت رسید. طبقات، ج ۴، ص ۳۷۸؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۴۸؛ اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۱۴؛ الاصابة، ج ۱، ص ۴۲۶؛ سیر اعلام النبلا، ج ۲، ص ۴۸۶؛ تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۵۷؛ وی در جنگ جمل شرکت داشت و این اشعار را سرود:

لیس بین ...

یا وصی النبی قد أجلت الحر ب الاعادی و سارت الأظعان

و نیز سرود

اعائش ...

وصی رسول الله من دون أهله و أنت علی ما كان من ذاك شاهده

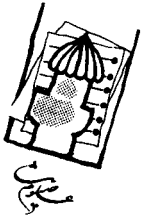
شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۶

## ۲۷. حسان

الست اخاه في الهدى (فی الإخاء) و وصیه و أعلم منهم (فهر) بالکتاب و بالسنن

الموفقیات، ص ۵۹۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳

حسان از شاعران زمان رسول خدا(ص) بود. او این اشعار را پس از بازگشت سپاه اسامه ایراد کرد. زمانی که سخترانی ابوبکر خوشایند انصار نبود و از او روی گرداندند، عمرو بن عاص به نکوهش آنها پرداخت. خاندان حضرت علی(ع) از انصار حمایت کردند از جمله فضل، گویا اشعاری در مدح انصار سرود. انصار نزد حسان رفتند تا اشعاری در



مدح حضرت علی (ع) بگوید، او این اشعار را سرود: جز الله خیرا...

الست ... ، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳

۲۸. حجر بن عدی کندی

یا ربنا سلم لنا علیا...

فانه كان له وليا ثم ارتضاه بعده وصيا

وقعة صفین، ص ۳۸۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۵۲ و ج ۱، ص ۱۴۵

حجر بن عدی از بزرگان اصحاب پیامبر (ص) است، با نمایندگان کنده نزد آن حضرت رفت. معروف به حجر الخیر بود. در جنگ قادسیه شرکت داشت. مرج عذراء شام به دست او فتح شد. در جمل و نهروان همراه حضرت علی (ع) بود. در صفین فرمانده بنی کنده بود. این اشعار را در همانجا سرود. در کوفه می زیست. زمانی که زیاد بن ابیه از سوی معاویه استاندار کوفه شد او و بسیار دیگر را به جرم شیعه علی دستگیر کرد و به شام نزد معاویه فرستاد. معاویه دستور داد او و پنج یا شش نفر از همراهانش را در مرج عذراء به شهادت رساندند. عایشه و افراد دیگر از این کار معاویه برآشفتنند. (طبقات، ج ۶، ص ۲۱۹؛ اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۸۵؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۲۸؛ الاصابة، ج ۱، ص ۳۱۴؛ سیر اعلام النبلا، ج ۳، ص ۴۶۶. کتاب جامع علوم انسانی)

این اشعار او صریح و روشن است که خداوند حضرت علی (ع) را وصی رسول خدا (ص) قرار داده.

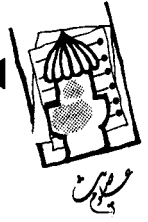
۲۹. زحر بن قیس الجعفی

أضربکم حتی تقرروا لعلی

من زانه الله وسماه الوصی

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۷

شرح زندگی او در کتاب های تراجم نیامده جز آن که شیخ طوسی از او یاد کرد که نامه



امام علی (ع) را نزد جریر بن عبدالله برد اخبار الطول، ص ۱۵۶ و ص ۲۶۰ نیز نگریسته شود). نام او سه گونه نقل شده: زحر، زجر، زهر، رجال الطوسی، ج ۴۲، ص ۱۴؛ معجم الرجال الحديث، الخوئی، ج ۷، ص ۲۱۷، ح ۴۶۵۸ و ص ۲۹۴، ح ۴۷۴۲. او حضرت علی (ع) را با این اوصاف ستوده: پس از پیامبر (ص) بهترین است، خداوند او را زینت بخشید، خداوند او را وصی نام نهاده، خداوند نگهدار اوست. در بیت آخر جناس به کارفته منظور از ولی اول خدا و ولی دوم حضرت علی (ع) است. این احتمال نیز وجود دارد که منظور از زینت بخشیدن همان وصیت باشد. برخی گفته اند نامه امام علی را زفر بن قیس نزد جریر بن عبدالله برد. الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۶۹.

### ۳۰. قال رجل من الازديوم الجمل

هذا على وهو الوصي  
وقال هذا بعدى الولي

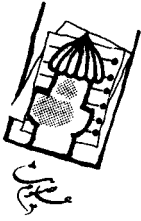
آخاه يوم النجوة النبي  
وعاه واع ونسى الشقي

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۴

یوم النجوى پس از محاصره طائف بود. رسول خدا (ص) با حضرت علی (ص) به صورت پنهان و طولانی سخن گفتند، برخی زبان به اعتراض گشودند پیامبر (ص) فرمود: ... ما انا ناجيته ولكن الله انتجاه.

مناب، ترمذی، ۳۷۲۸؛ معجم الكبير، ج ۲، ص ۱۸۶؛ شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۳۲۵؛ عمدة في عيون الصحاح، ۴۲۳؛ جامع الاحاديث، سيوطی، ج ۱۶، ص ۲۵۴؛ تاريخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۴۵؛ كامل ابن عدی، ج ۶، ص ۲۴۷؛ جامع الاصول، ج ۸، ص ۶۵۸ و کتاب های بسیار دیگر)

پیامبر (ص) دوبار با حضرت علی (ع) پیمان برادری بست یک بار در مکه المعبر، ص ۷۰؛ عیون الاثر، ج ۱، ص ۲۶۴؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۸؛ اسد الغابة، ج ۴، ص ۱۶؛ نهاية الارب، ج ۲۰، ص ۳؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۳۶؛ جامع الصغير،



۵۵۸۹، فیض القدر، ج ۴، ص ۳۵۵؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۳۴۵؛ المنتظم، ج ۳، ص ۷۴؛ البداية و النهایة، ج ۳، ص ۲۷۷؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۵۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۸؛ ریاض النضرة، ج ۲، ص ۱۲۴ و ... ) و بار دیگر در مدینه میان انصار و مهاجران پیمان برادری بست و معروف به «یوم الإخاء» شد و این غیر از یوم النجوه است که شاعر از آن یاد کرده که یا در اصل «یوم الأخوة» بوده و یا شاعر اشتباه کرده است.

### ۳۱. عبدالرحمن بن جمیل

لعمری

علیا وصی المصطفی و ابن عمه      واول من صلی آخا الدین والتقی

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۳

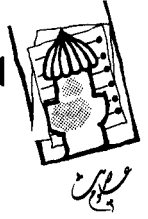
شاعر شناخته نشد ایشان حضرت علی(ع) را در این شعر به پنج وصف ستوده: وصی، پسر عم، نخستین مسلمان، برادر پیامبر، متقی و گویا به نظر شاعر مهم ترین آنها وصیت بوده چرا که آن را پیش از همه آورده.

### ۳۲. ابن بدیل بن ورقاء الخزاعی یوم الجمل

یا قوم للخطة العظمی التي حدثت      حرب الروصی و ما للحرب من آسی

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۶

عبدالله بن بدیل بن ورقاء از قبیله خزاعه است قبیله خزاعه همیشه متمایل به رسول خدا(ص) بودند بدیل یکی از افرادی بود که در صلح حدیبیه از سوی مشرکان با پیامبر گفتگو کرد. پس از انعقاد قرارداد صلح، قبیله او با پیامبر هم پیمان شدند. یکی از فرزندان بدیل به نام نعمان در حادثه بئر معونه به شهادت رسید. عبدالله بن بدیل و برادرش عبدالرحمن بن بدیل در جنگ صفین همراه حضرت علی(ع) بودند آن جا به شهادت رسید. اشعار فوق را عبدالله بن بدیل در جنگ جمل سروده و اشعار دیگری نیز گفته است. البداية و النهایة، ج ۴، ص ۸۴ و ۱۸۹؛ طبقات، ج ۴، ص ۲۹۴؛ اسد الغابة، ج ۳، ص ۱۲۴؛ الاستیعاب،



ج ۳، ص ۸۷۳، ۱۴۸۱ «وی خطبه او را در صفین آورده؛ الاصابه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳۳- خرج يوم الجمل غلام من بنی ضبة شاب معلم من عسكر عائشة و هو يقول:

نحن بنی ضبة اعداء علی ذاك الذی يعرف قدما بالوصی

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۴

بنو ضبه بن اُدّ قبيله بزرگی بود. در جنگ جمل جلو روی عایشه با حضرت علی (ع) جنگیدند. گویند یا هشتصد یا هزار یا دو هزار نفر آنها در این جنگ کشته شد (طبری، ج ۴، ۵۴۵ و ۵۳۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۰؛ این بیت شعر نسبت به اشعار دیگر این برتری دارد که شاعر هم دشمن علی (ع) است و هم گوید از قدیم معروف است که علی (ع) وصی پیامبر (ص) است.

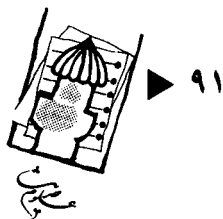
۳۴. منذر بن ابی حمیصه

معاویه در جنگ صفین پول هایی میان دو قبيله «عکّ» و «اشعریون» تقسیم کرد، به ویژه عک تا با قبيله همدان که در سپاه حضرت علی (ع) بود بجنگد این اقدام معاویه برخی سپاهیان حضرت علی (ع) را به طمع افکند و به معاویه متمایل شدند. منذر بن ابی حمیصه و ادعی شاعر شجاع قبيله همدان بود نزد امام علی (ع) رفت عرض کرد. ما آخرت را بر دنیا، عراق را بر شام و شما را بر معاویه می گزینیم ما را به جنگ آنها بفرست و این اشعار را سرود:

إن عک سالوا ...

لیس منا من لم یکن لك فی الدّ له ولیا یا ذالولا والوصیة

حضرت علی (ع) برای او و قبيله اش دعا نمود. وقعة صفین، ص ۴۳۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۸، ۷۷؛ واژه حمیصه این گونه نیز نقل شده: قمیصه، حمیصه، حمضمة، و ادعی نیز و ادعی آمده. نام و شرح حال او در کتاب های تراجم نیامده. جز آن که ابن حجر داستانی از فرماندهی او در زمان خلیفه دوم عمر بن خطاب نقل کرده.



الاصابة، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۸۴۶۴.

او در این اشعار وفاداری قبیله خویش را به حضرت اعلام داشته و به دو موضوع ولی و وصی اشاره کرده.

۳۵. ابونصر، عبدالعزیز بن عمر بن نباتة

و أبوك الوصي أول من شا منار الهدى و صام وصلی

وی این اشعار را خطاب به شریف محمد بن عمر علوی سروده است. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۱۱. او از شاعران معروف بود، نیکو شعر می گفت. دیوانی نیز دارد. در سال ۳۲۷ متولد و در سال ۴۰۵ رحلت کرد.

تاریخ بغداد، خطیب، ج ۱۰، ص ۴۶۶؛ وفيات الاعیان، ابن خلکان، ج ۳، ص ۱۹۰؛ شذرات الذهب، ابن عماده، ج ۳، ص ۱۵۷؛ الامتاع و المؤانسة، مقریزی، ج ۱، ص ۱۳۶.

قال وكيع: حدثنا اعمش عن أبي صالح قال: كان الحادي يحدوا لعثمان ويقول:

إن الأمير بعده على وفي الزبير خلف الوصي

النزاع والتخاصم، ص ۷۸

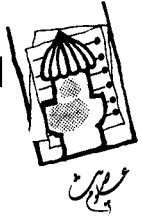
این شعر در تاریخ طبری به این شکل ضبط شده: ان الأمير بعده على وفي الزبير خلف رضى، ج ۴، ص ۳۴۳؛ الكامل، ج ۲، ص ۵۲۸، و در تاریخ دمشق، رضى آمده، ج ۳۹، ص ۳۰۷ در صورت نخست واژه خلف «مضاف» بر «الوصی» است و مراد از وصی حضرت علی(ع) است یعنی زبیر جانشین حضرت علی(ع) خواهد بود. و در صورت دوم واژه رضى صفت خلفت خواهد بود.

۳۶. ابن ابی الحديد

امك الدرّة التي ...

و أبوه الوصي أول من طا ف ولبى سبعا و ساق الهديا





وی این اشعار را خطاب به ابوالمظفر هبة‌الله فرزند امام موسی بن جعفر (ع) سروده. امامان شیعه را از امام کاظم (ع) یکی یکی ستوده تا به حضرت علی (ع) رسیده و او را به عنوان وصی پیامبر (ص) و نخستین مسلمان معرفی کرده.

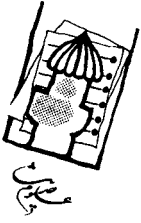
او این شعر را با الهام از اشعار ابونصر عبدالعزیز بن عمر بن نباته که خطاب به محمد بن عمر علوی سروده بوده سروده است. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۱۱.

ابن ابی الحدید معتزلی در قصیده‌ای که عقاید معتزله را به نظم درآورده چنین گفته:

و خیر خلق الله بعد المصطفی  
اعظمهم يوم الفخار شرفا  
السید المعظم الوصی  
بعل البتول المرتضی علی

شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۲۰

وی پس از این امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و حمزه و جعفر یاد کرده و سپس به مدح ابوبکر و عمر و عثمان پرداخته، روشن است که او حضرت علی (ع) را وصی رسول خدا می‌دانسته لیکن وصیت را محدود به خاندان پیامبر می‌دانسته چه آن‌که با خلافت‌سازی کار نیست. اینها برخی اشعاری است که بر حسب «استقراء ناقص» جمع آوری شد و امام علی (ع) در آنها به وصف وصی پیامبر (ص) ستوده شده. یاد کرد آنها در این جا «شواهدی» از کلام شعر است. گرچه کلام شاعران را «محدثان» به عنوان «اخبار» نمی‌شناسند و واقعیت هم همین است چرا که مفهوم مطابقی «خبر» نیست. اما نزد «محققان» خبری است که مبتدای آن سخن رسول خداست. «گزاره‌ای» است که «نهاد» آن «غیب» است. بلکه در حقیقت مفهوم «التزامی» «تضمینی» و «مطابقی» احادیث پیامبر (ص) است که در «یوم الانذار»، «یوم الإخاء»، «یوم التبوک» «یوم الغدیر» و «یوم الوصیه» برای «عام» بیان فرمود. و به طور «خاص» نیز به سلمان، ابوذر، ابن عباس، انس، ابو رافع، عبدالله بن مسعود، ابوبکر بن قحافة، براء، ابو ایوب انصاری، ابوسعید خدری، ابو مالک اشجعی، ابو هریره، بریده اسلمی، جابر، زید بن ارقم، عبدالله بن ابی اوفی، ابن عمر، ام سلمه بیان فرمود (تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۰؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۳؛ و ج ۹، ص ۱۶۹ و ج ۱۳، ص ۲۱۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۳۱؛ زینی دحلان، ج ۱، ص ۱۹۵؛ شواهد



التنزيل، ج ۱، ص ۹۸؛ تاريخ ابوالفداء، ج ۱، ص ۱۱۶؛ معالم التنزيل، ج ۴، ص ۲۷۸؛ كنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۴ و ج ۱۱، ص ۶۰۴؛ عمده، ج ۱، ص ۱۲۱؛ معجم الكبير، ج ۴، ص ۱۷۱ و ج ۶، ص ۲۲۱؛ مناقب خوارزمي، ص ۱۱۲؛ مناقب ابن سليمان، ج ۱، ص ۲۵۳؛ مناقب ابن مغازلي، ص ۱۲۹؛ مستدرک، ج ۳، ص ۱۲۹ و ۱۷۲؛ فتح الباري، ج ۸، ص ۱۵۰ و ۱۹۰؛ تاريخ يعقوبي، ج ۲، ص ۱۷۱؛ حلية الاوليا، ج ۱، ص ۶۴ و ۶۶؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۶۶۸؛ المعيار والموازنة، ص ۲۳۶؛ المحاسن والمساوي، ص ۴۲ و ۴۴؛ ميزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۴؛ كنوز الحقايق، ص ۴۲؛ تاريخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۵۸؛ الاربعين عن الاربعين، ص ۷۰؛ ذخاير العقبي، ص ۷۱؛ فردوس الاخبار، ص ۴۸۵۱؛ مجمع الزوايد، ج ۹، ص ۲۰۲؛ امتاع الاسماع، ج ۱۱، ص ۱۷۹؛ الذرية الظاهرة، ص ۱۰۹؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۴۲۰؛ مسند بزاز، ص ۲۵۷۵؛ تهذيب التهذيب، ج ۳، ص ۱۰۶؛ جواهر المطالب، ج ۱، ص ۱۰۷؛ فضائل احمد، ش ۱۷۴؛ المؤلف من المختلف، ج ۳، ص ۱۶۱۱؛ تذكرة الخواص، ص ۴۸؛ سيره ابن اسحاق، ۱۲۵؛ الضعفاء الكبير، عقيلي، ج ۳، ص ۴۶۹؛ كفاية الطالب، ص ۲۹۲ و كتاب های بسیار ديگر). آن جا «عام مجموعی» و این جا «عام افرادی است. اینها «گزاره های» هستند که در برخی موارد «نهاد» آن محذوف است. اشعار شاعران که به صورت وفور بیان «خبر» پیامبر است به معنای «خبر الخبر» نیز می باشند و از همان اعتبار برخوردار هستند که «خبر» و «حدیث» بهره مند می باشند. کثرت آنها دلیل بر واقعیت است. این دلیل نیز از جهاتی دلیل «لفظی»، و «عقلی» است.

گرچه عوامل بسیار دست به دست هم دادند تا سخن پیامبر(ص) و «وصایت» امام علی(ع) را پنهان دارند و چنانکه ملاحظه شد از برخی کتاب ها حذف کردند، اما این موضوع به درخشندگی خورشید بس آشکار بود که پنهان ساختنش امکان پذیر نگردید. در زمان حضور حضرت علی(ع) «شهرت عظیم» داشت تا جایی که دشمن در مصاف جمل او را با همین وصف مخاطب ساخت. و دست کم ده نفر از صحابی پیامبر(ص) آن حضرت را در اشعار خود با وصف «وصی رسول خدا» ستودند. در سال ها و قرن های بعدی که از سوی بنی امیه و حاکمان دیگر جو اختناق بر جامعه حاکم شد، تا از این گزاره کسی «خبر» ندهد در عین حال شاعران بسیار، بدون، «ایهام»، «کنایه»، «تشبیه» و «استعاره» بلکه به «صراحت» از آن سخن

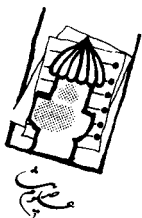


گفتند و آن موضوع را در «مفهوم مطابقی» و «منطوق لفظی» خود گنجانده‌اند. و این حقیقت را بر زبان آورد که برابری وصی و نبی نه در گویش و تشبیه است که «ادعا» می‌باشد، بلکه میان آنها «جناس تام» ماورایی برقرار است که هر دو عین یک «حقیقت» و مصداق: «صِنَوَانٌ یُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ، سوره رعد، آیه ۴. هستند و از یک نور آفریده شده‌اند چنانکه جابر فرمود: قال (ص): یا علی الناس من شجر شتی و انا و انت من شجرة واحدة. درالمشور، ج ۴، ص ۶۰۵؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۶۵؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۷؛ عمدہ، ص ۱۳۶؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۱۲۱؛ ینابیع الموده، ص ۱۱۱؛ تذکرۃ الخواص، ص ۵۱؛ الموضوعات، ج ۱، ص ۳۴۰؛ کامل ابن عدی، ج ۵، ص ۱۷۸؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۱؛ فوائد المجموعه، ص ۳۹۵؛ العلل المتناهیة، ۳۳۵۹، الاربعین عن الاربعین، ص ۷۴؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۲۴۱؛ مستدرک، ج ۲، ص ۲۶۳؛ کنوزالحقایق، ص ۱۵۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰؛ جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۱۸۲؛ معجم الاوسط، ج ۵، ص ۶۸۹؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۲۹۴۲؛ شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۷۱؛ کفایة الطالب، ص ۳۱۸؛ ریاض النضرة، ج ۳، ص ۲۰؛ تذکرۃ الخواص، ص ۵۱؛ فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۸۳؛ فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۶۶۲.

و نبی و وصی یک درخت اند، شَجَرَةٌ طَیِّبَةٌ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. سوره ابراهیم، ۲۴.

این سخن شاعران نه لقیف «مفروق» یا «مقرون» است، بلکه صحیح است به «دلیل استقراری تام» که دوست و دشمن همان را گفتند و نه «ناقص» که «سالم» است چرا که شمار زیاد صحابی پیامبر روایت کرده‌اند که علی وصی پیامبر است. اگر این هم پذیرفته نشود برادری علی با رسول خدا قطعی و ضروری است و یاد کرد اسناد و راویان آن «تکرار مکررات» است در برادری، برابری شرط است. المعیار والموازنه، اسکافی، ص ۲۵۳ اگر همانندی بود وصیت نیز ثابت است. در این صورت شعر شاعران «مثال» خواهد بود اما نه از «مِثْلٌ» و «مِثْلٌ» بلکه از «مِثْلٌ» این برابری نیز «لفظی» نیست، چرا که خدا در «معنی» او را به نفس پیامبر وصف کرد (أَنْفُسُنَا... آل عمران، آیه ۶۱) و معنی همان باطن ملک است که ملکوت نام دارد.

این برادری، برابری و وصیت گرچه در لفظ «حدیث» و در بستر زمان «حادث» می‌باشند، اما در مفهوم واقعی «قدیم» هستند. قدیم نیز نه «قدیم دهری» بلکه «قدیم



سرمدی» است. که پیش از آفرینش جهان چنین بودند. بیان مفاهیم ماورایی و سرمدی در قالب «الفاظ» و «معانی» و «بیان»، حتی «بدیع» هرگز نگنجد. نبی و وصی واژه‌های عرشی و کلمات خدایند و صف و تفسیر آنها در کلمه و کلام «فرشی» نیاید چرا که خداوند فرمود: **وَكُلُّنَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ (لقمان، آیه ۲۷).**

نه بشر توانمش گفت، نه خدا توانمش خواند

متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

بگذریم از این مقوله که این مقاله را شرح دیگر باید که در کتاب آید. همین مقدار کافی است که وصیت با تواتر ثابت است.

نتیجه آن که:

۱. موضوع وصی و جانشینی حضرت علی (ع) به ویژه در قرن نخست بسیار معروف بوده. این دلیل است که رسول خدا او را وصی و جانشین خود قرار داده بود.
۲. در برخی اشعار منعکس شده که وصایت او از جانب خداوند بود.
۳. دست کم ده نفر از شاعران صحابی پیامبر (ص) امام علی (ع) را با وصف وصی ستوده‌اند. و سخن آنها در حکم روایت است.
۴. این اشعار گرچه به عنوان حدیث و روایت شناخته نمی‌شوند، اما مفاهیم آنها همان مفاهیم روایات هستند.
۵. در چند مورد، مخالفان به این موضوع اعتراف کرده که خود دلیل مستقل است.
۶. این اشعار به طور کلی از کتاب‌های اهل سنت برگرفته شد که وصیت را قبول ندارند و گرنه در کتاب‌های شیعه بسیار گسترده است.
۷. گرچه آن اشعار از منظر سند بررسی نگردید، اما فراوانی آنها در حد تواتر است و نیازی به بررسی سند ندارند.
۸. این اشعار برای اثبات وصیت، تواتر معنوی بلکه تواتر لفظی دارند، به دلیل آن که توسط افراد زیاد و در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف سروده شده‌اند و دلیل آنست که مفهوم آنها در سخن و اقدام پیامبر واقعیت داشته و در مقوله سند و مفهوم تمام می‌باشند.